

شهيد حسين بختيارى



سامانه جامع سرداران و دو هزار شهيد استان بوشهر

نام پدر	علی
تاریخ تولد	۱۳۴۲/۰۵/۱۱
محل تولد	بوشهر - بوشهر
تاریخ شهادت	۱۳۶۱/۰۸/۲۱
محل شهادت	عین خوش
مسئولیت	معاون گروهان
نوع عضویت	بسیج
شغل	-
تحصیلات	دوره دبیرستان
مدفن	بوشهر

زندگینامه

حسین، فرزند علی در پانزده مهر ماه ۱۳۴۲ در بوشهر دیده به جهان گشود. ایشان فرزند چهارم خانواده بود و ۱۹ سال داشت که به شهادت رسید. او پسری ساکت، بی تکبر و بی ریا بود و با همه می جوشید.

وی بعد از گذراندن دوران کودکی در مهر ماه ۴۹ در دبستان «باقری» مشغول به تحصیل شد و بعد از اتمام دوران ابتدایی وارد مدرسه‌ی راهنمایی «امیرکبیر» شد. وقتی انقلاب اسلامی به رهبری امام عزیز در ایران شروع شد، او هم مثل دیگر دانش آموزان به صف راهپیمایی و تظاهرات و مراسم مذهبی پیوست و بعد از دوره‌ی راهنمایی وارد دبیرستان «شهید مطهری» شد؛ تا اینکه جنگ تحمیلی آغاز شد.

وی برای اولین بار در آذر ماه سال ۱۳۶۰ برای آموزش به اصفهان اعزام شد؛ ولی به علت بیماری به بوشهر بازگشت. او مجدداً در تاریخ ۲/۱۲/۶۰ به کازرون رفت و بعد از دوران آموزش، به اهواز اعزام شد و در حملات «فتح‌المبین» و «بیت‌المقدس» شرکت کرد.

حسین پس از چهار ماه و نیم به بوشهر آمد اما بعد از دو ماه استراحت، بار دیگر در تاریخ ۲۴/۴/۶۱ به جبهه اعزام شد. این رزمنده‌ی شهید، در تاریخ ۱۰/۷/۶۱ به مرخصی آمد و مثل هر بار که به مرخصی بر می‌گشت، به قبرستان رفت و ساعت‌ها در قبرستان با شهیدان درد و دل می‌کرد. او این بار نیز به شهیدان گفت: «یک جای خوب برایم نگه دارید!»

حسین دوباره نیز به جبهه رفت و در سومین اعزامش بود که در شب ۲۱/۸/۶۱ و در جبهه‌ی «عین‌خوش» شهید شد.

وصیت نامه

انالله وانا اليه راجعون «براستی همه از خدایند و بسوی خدا باز می گردند.»

والعصر. ان الانسان لفي خسر. الاالذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر.

خدمت پدر و مادر و خانواده‌ی گرامی‌ام سلام می‌کنم. می‌دانم از دست دادن فرزند برایتان سخت است، اما چه می‌شود کرد؟ من تا کی می‌توانم شاهد دیدن تشییع جنازه‌ی برادران و همسنگرانم باشم.

پدر و مادرم! شما زحمت زیادی برایم کشیدید و من کوچک‌ترین خدمتی در برابر زحمات چندین ساله و شبانه‌روزی شما نتوانستم انجام بدهم. امیدوارم بخاطر خدا و اسلام و قرآن هم که شده مرا ببخشید؛ چون من یک امانتی بودم در پیش شما و نباید ناراحت شوید و اشک بریزید.

پدر و مادر و خانواده‌ی گرامی‌ام! چون من نتوانستم فرد مفیدی برای شما باشم، معذرت می‌خواهم. تنها خواهشی که از شما خانواده‌ی عزیز و امت همیشه در صحنه و شهیدپرور ایران و بخصوص از خانواده‌ی گرامی‌ام دارم، این است که امام حسین زمان را تنها نگذارید و گوش به حرف منافقین و گروهک‌های منحرف و از خدا بی‌خبر ندهید. اگر پروردگار مرا لایق شهادت و لیاقت شهید شدن دانست و آن را به من عطا فرمود، مرا در کنار برادران همسنگرم در «بهشت صادق» دفن نمایید و در تشییع جنازه‌ام برادران و دوستانم را خبر کنید و از برادران و خواهرانی که حقی بر گردنم دارند، بخواهید که مرا ببخشند!

والسلام

محرم ۱۳۶۱/۸/۲۱

مصاحبه

وصیت نامه شهید حسین بختیاری

خط سرخ شهادت ، خط آل محمد و علی است و این افتخار از خاندان نبوت و ولایت به ذریه طیبه آن بزرگواران و به پیروان خط آنان به ارث رسیده است . (امام خمینی)

در کمال صحت و سلامت این وصیت نامه رامی نویسم .

انا لله و انا اليه راجعون (راستی که همه از خدایند و به سوی خدا باز می گردند.) المعصومین الحجه ا... و العصران
الانسان لفي خسر الا الذين آمنو و عملو الصالحات و تواصو بالحق و تواصو بالصبر.

خدمت پدر و مادر و خانواده گرامی سلام عرض می کنم . می دانم از دست دادن فرزند برایتان سخت است اما چه می شود کرد من تا کی می توانم شاهد دیدن تشییع جنازه برادران و همسنگرانم باشم.

پدر و مادرم شما زحمت های زیادی برایم کشیدید و من کوچکترین دینی در برابر زحمات چندین ساله شبانه و روزی شما نتوانستم انجام دهم امیدوارم بخاطر خدا و اسلام و قرآن که شده مرا ببخشید چون من یک امانتی بودم در پیش شما ، نباید نارحت شوید و اشک بریزید.

پدر و مادر و خانواده گرامی ام چون من نتوانستم فرد مفیدی برای شما باشم معذرت می خواهم تنها خواهشی که از شما دارم ، امام حسین زمان خود را تنها نگذارید و گوش به حرف منافقین و گروهکهای منحرف و از خدا بی خبر ندهید.

اگر پروردگار مرا لایق شهادت و لیاقت شهید شدن را اعطا نمود مرا در کنار برادران همسنگرم در بهشت صادق دفن نمایید در تشییع جنازه ام برادران و دوستان را خبر کنید و از برادران و خواهرانی که حقی در گردنم دارند بخواهید که مرا ببخشند.



سامانہ جامع سرداران و دھڑ شمیم استان بوٹھر